

© Copyright
انتشار رسمی با خرید کپی و ایت

جلد دوم

بخش اول



جادوگران

سازمان جادوگران

لو گراسمن
اشکان کریمیان

نشر و باز



کوئنتین^۱ سوار بر اسبِ خاکستری رنگی به نام بی‌باک^۲ بود که ساقپوش‌های سفید داشت. روی جوراب‌های راه‌راهش که هر لنگه‌ی آن یک رنگ بود پوتین‌های چرمی سیاهی به پا کرده بود که تا زانویش می‌رسید، کاپشنِ آبیِ ارتشی بلندی هم به تن داشت که از هر جهت با دانه‌ی مروارید و نخ نقره تزئین شده بود. نیم‌تاجی پلاتینی هم روی سر داشت. شمشیرِ براقی به کمر بسته بود که هنگام حرکت به پایش می‌خورد؛ شمشیرِ تشریفاتی نبود، شمشیرِ واقعی بود، از همان‌هایی که در جنگ به کار می‌آیند. ساعت ده صبح روزِ آفتابی و گرمی بود در اواخر تابستان. کوئنتین درست همان طوری بود که هر شاه فیلوری^۳ باید باشد. حالا هم سرگرم شکارِ خرگوشِ جادویی بود.

کنار شاه کوئنتین، ملکه‌ای هم بود؛ ملکه جولیا^۴. جلوی آن‌ها هم شاه و ملکه‌ی دیگری بودند، الیوت^۵ و جانن^۶. سرزمینِ فیلوری در کل چهار حکمران داشت.

-
1. Quentin
 2. Dauntless
 3. Fillory
 4. Julia
 5. Eliot
 6. Janet